

## موقعیت کنونی جنبش کارگری ایران و سازمانیابی آن مصاحبه جهان امروز

### با صلاح مازوجی عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران و کومه‌له

جهان امروز: در کنگره هشتم حزب کمونیست ایران، قطعنامه‌ای تحت عنوان «موقعیت کنونی جنبش کارگری ایران و سازمانیابی آن» به تصویب رسید که در بیانیه سیاسی کنگره هم به جهت‌گیری عمومی آن اشاره شده است، در کنگره هم نمایندگان حول آن بحث‌های خلاقانه داشتند. اولین سؤال این است که حزب کمونیست ایران موقعیت کنونی جنبش کارگری را چگونه ارزیابی می‌کند؟

صلاح مازوجی: امروز همه بر سر این واقعیت توافق نظر دارند که شرایط سخت و دشوار زندگی و فلاکت اقتصادی‌ای که به طبقه کارگر ایران تحمیل شده است در چهار دهه گذشته بی‌سابقه بوده است. بیکاری میلیونی، تورم سرسام آور هر روزه توده بیشتری از کارگران را به زیر خط فقر می‌راند، خط فقری که با استانداردهای زندگی در ایران یعنی از زندگی و هستی ساقط شدن. این وضعیت صدها هزار خانواده کارگری را با مشکلات معیشتی و درمانی روبرو کرده است. اگر چه سهم طبقه کارگر در نظام سرمایه داری جز فقر و بی‌حقوقی و زندگی در حلبی‌آبادها چیز دیگری نبوده است، اما تحمیل اوضاع دهشتناک کنونی به طبقه کارگر ایران تنها گوشه‌ای از پیامدهای سیاست‌های تعدیل اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی و بورژوازی ایران است که در دوره رفسنجانی به سیاست رسمی دولت تبدیل شد. حاصل این چرخش در سیاست‌های اقتصادی و پیروی از نئولیبرالیسم اقتصادی بمنظور توسعه اقتصاد کشور و برای ادغام هرچه بیشتر در بازار سرمایه جهانی که مانند همه جای دیگر دنیا با شروع روند خصوصی‌سازی صنایع و ←

## قطعنامه کنگره هشتم حزب کمونیست ایران درباره موقعیت کنونی جنبش کارگری ایران و سازمانیابی آن

صفحه ۵

### اهداف رژیم جمهوری اسلامی از محاکمه فعالین کارگری اول مه سقز

صفحه ۶



#### دادگاه تفتیش عقاید فعالین کارگری اول مه سقز را محکوم کنیم!

صفحه ۷

#### اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی کومه‌له درباره:

#### دادگاهی کردن جمعی از کارگران مبارز شهر سقز

صفحه ۱۰

## کشتار تابستان ۱۳۶۷



در جستجوی سیاهترین برگ از روز شمار کارنامه ننگین جمهوری اسلامی به کدامین سر فصل باید مراجعه کرد؟ به آن روزها و ماههای دهشتناک کشتار زندانیان سیاسی با

«فتوای محمدی»؟ یا آن روزهای شومتر آغازین تابستان ۶۱ و کشتارهای خیابانی؟ یا نه که بهتر است به آن روزهای پر هیاهوی اعلام جهاد مقدس و سرازیر شدن گلهای «خالد»ها و «زبیر»های وطنی به کردستان و فتح سرزمین کفر و چپاول غنائم «خدادادی» آن برگردیم؟ ... جامعه ما اینها و دهها تراژدی دیگر را پشت سر گذاشته است و هنوز که هنوز است در بند هیولایی این دیوان و «زنگیان مست» بر خود میپنجد، اما هر آینه با تب و تاب لاینقطع به التیام پیکره خود و دفع غده‌های طاعونی اندیشه می‌کند.

سیاست جنایتکارانه نسل کشی زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ نیز از جمله این سر فصلهای تاریخی است که تنها از ماشین جنگی و ایدئولوژیکی فاشیسم میتواند تراوش کرده باشد، چه خود به تنهایی میتواند ننگ ابدی را برای این جذب‌گران مرگ و منادیان نکبت و تاریکی در پی داشته باشد.

صفحه ۸

صفحه ۱۲

### پیام کنگره هشتم حزب کمونیست ایران به خانواده‌های جانب‌خستگان کمونیست و به زندانیان سیاسی

## ⇒ مصاحبه جهان امروز با صلاح مازوجی

بیکارسازی گسترده کارگران توام بود، نمی توانست عواقبی غیر از این داشته باشد.

محصول رواج سیاست های اقتصادی نئولیبرال که از سالهای ۱۹۷۶ و ۱۹۷۷ در انگلستان و آمریکا آغاز و در دوران نخست وزیری تاچر و ریاست جمهوری رایگان به اوج خود رسید و از آن بعنوان تعرضی ضدانقلابی به دستاوردهای طبقه کارگر یاد میکنند، خصوصی سازی صنایع، آزاد گذاشتن بازار در تعیین سرنوشت خود و سلب حقوق اتحادیه های کارگری، زدن از خدمات اجتماعی و در یک کلام وخامت وضعیت اقتصادی طبقه کارگر و دیگر اقشار کم درآمد جامعه را بدنبال داشت. تجربه اتخاذ و در پیش گرفتن سیاستهای اقتصادی نئولیبرالی از جانب دولت و بورژوازی در کشورهای آمریکای لاتین و کشورهای نظیر مصر و ترکیه هم غیر از به روز سیاه نشانیدن کارگران و تشدید فقر و محرومیت پیامد دیگری نداشته است. نئولیبرالیسم اقتصادی هر جا که به الگوی توسعه سرمایه داری تبدیل شده است، موانع رسمی و قانونی بر سر راه گردش کالا و سرمایه را برداشته و اقتصاد کشورها را تحت رهنمودهای مراکز مالی جهانی قرار داده است و قوانین کار و مناسبات کار و سرمایه را به نفع تشویق سرمایه گذاری تنظیم یا تغییر داده و سیاست تعدیل نیروی کار و بیکاری سازی های گسترده را به اجرا در می آورد. در ایران هم اخراج های هر روزه کارگران و بیکاری میلیونی، خارج کردن کارگاه های کوچک از شمول قانون کار بمنظور سودآورتر شدن آنها برای صاحبان سرمایه و رواج دادن کار بر مبنای قراردادهای موقت که میلیون ها کارگر را به شرایط کار بردگی رانده است، از عوارض سیاستهای تعدیل اقتصادی رژیم اسلامی و بورژوازی ایران و پیروی از الگوی نئولیبرالیسم اقتصادی می باشد. تلاش های چند سال اخیر رژیم اسلامی و سرمایه داران ایران برای تغییر همین قانون کار ارتجاعی در جهت تحمیل بی حقوقی بیشتر به کارگران را هم در

چهار چوب همین سیاستها باید ارزیابی کرد، این تصادفی نیست که سرمایه داران و صاحبان صنایع که از حمایت بی چون و چرای دولت برخوردار هستند در جهت کسب سود بیشتر و تحمیل شرایط غیر انسانی تر به کارگران در زمینه پرداخت دستمزدها، اخراج و اجرای طرح بازخريد کارگران، اجرای قانون بازنشستگی قبل از موعد کارگران در مشاغل سخت و زیان آور و بسیاری زمینه های دیگر حتی خود را ملزم به رعایت قانون کار ارتجاعی فعلی نمی دانند.

بازتاب و پیامدهای این سیاستها برای طبقه کارگر ایران که از حق تشکلی طبقاتی خود برخوردار نیست و از فقدان تشکلهای طبقاتی و توده ای خود رنج می برد بسیار دهشتناک بوده است.

### جهان امروز: تماس های رژیم جمهوری اسلامی با سازمان جهانی کار (I.L.O) را چگونه ارزیابی می کنید، این سیاست های رژیم چه تاثیری بر سازمانیابی کارگران خواهد داشت؟

صلاح مازوجی: همانطور که خودتان هم اطلاع دارید تماسها و همکاری رژیم اسلامی ایران با سازمان جهانی کار به سالهای اخیر محدود نمی شود، اگر چه فعالیت های سازمان جهانی کار، بدنبال انقلاب بهمن ۵۷ و تحریم ایران از سوی دولت های غربی برای مدتی عملاً مختل و دفتر آن در تهران تعطیل شد، اما بعد از مدتی روابط این سازمان با رژیم ایران از سر گرفته شد و پا به پای سیاست دیالوگ انتقادی دولت های غربی با رژیم ایران روابط و همکاری ها I.L.O هم با رژیم جمهوری اسلامی گسترش یافت. در تمام طول این سالها این نهاد تلاش کرده است تا اصلاحاتی را در زمینه ایمنی و بهداشت محیط کار، مدرن سازی نظام اطلاع رسانی بازار کار و آنچه را خود اشتغالزا نبودن قانون کار جمهوری اسلامی می نامند بوجود آورند و از این طریق

مناسبات کار و سرمایه در ایران را تا حدی قابل قبول به استانداردهای مورد نظر سرمایه جهانی نزدیک کنند.

دو سال پیش سازمان بین المللی کار با اعزام هیئتی به ایران رسماً از وضعیت تشکلهای کارگری انتقاد کرد و با اشاره به نقش کلیدی ای که به شوراها ی اسلامی کار داده شده است، اعلام کرد که در ایران آزادی تشکلی کارگری وجود ندارد و شوراها ی اسلامی کار را نمی توان انجمن های واقعی کارگران دانست.

انتقادات سازمان جهانی کار زمانی از جمهوری اسلامی شدت می گیرد که رژیم جمهوری اسلامی نیز از یک طرف برای عضویت در سازمان تجارت جهانی و ادغام هر چه بیشتر اقتصاد ایران در بازار سرمایه جهانی به تایید سازمان جهانی کار نیاز پیدا می کند و از طرف دیگر در شرایطی که بحران و ورشکستگی شوراها ی اسلامی بر همگان عیان شده است و حتی صاحبان صنایع و کارفرمایان هم آنان را بعنوان تشکلی که ظرفیت کنترل اعتراضات کارگری را داشته باشند برسمیت نمی شناسند. تلاشهای رژیم برای پذیرش برخی شرایط سازمان جهانی کار بیشتر از هر زمانی موضوعیت پیدا کرده است. اما این تلاشهای رژیم جمهوری اسلامی و سازمان جهانی کار ربطی به خواست کارگران ایران مبنی بر آزادی برپایی تشکلهای طبقاتی مستقل از دولت ندارد. اکنون همه نشانه ها حاکی از آن است که جمهوری اسلامی و بورژوازی ایران در جهت انطباق هر چه بیشتر با برنامه های استراتژیک اقتصادی ای که در پیش گرفته اند و به منظور رفع موانع در جهت ادغام هر چه بیشتر در بازار جهانی سرمایه مذاکرات و همکاری های خود را با سازمان جهانی کار ادامه می دهند. در شرایطی که اضافه بر خنثی کردن مخالفت های آمریکا با ورود ایران به سازمان تجارت جهانی پذیرش برخی از مقاوله نامه های سازمان جهانی کار نیز برای ورود به سازمان تجارت جهانی ضرورت پیدا کرده است، رژیم ایران در واقع می خواهد با یک تیر دو نشان را بزند، یعنی با پذیرش برخی شرایط سازمان جهانی کار از یک طرف راه را برای ورود به سازمان

تجارت جهانی هموار کند و از طرف دیگر تشکلهایی را ایجاد کنند که ظرفیت و توانائی مهار و به کنترل در آوردن اعتراضات و مبارزات کارگری را داشته باشند، تشکلهایی که در چهارچوبی که رژیم و بورژوازی ایران تعیین می کنند به مانور بپردازند و در نشست های سه جانبه با کارفرمایان و نمایندگان دولت، در همکاری و سازش با آنها خواستهای کارگران را "پیگیری" نمایند. تشکلی برخی از انجمن های صنفی و سندیکاها را که زیر نظر خانه کارگر رژیم ساخته شده اند و معرفی آنها به سازمان جهانی کار به عنوان تشکلی کارگری را در چهار چوب همین تلاشها باید ارزیابی کرد. گرایشات مختلف بورژوازی هم با همان اهدافی که به آن اشاره شد در تلاشند تا تحت عنوان تشکلی مستقل کارگری، تشکلی مورد نظر خودشان را که در سازش و همکاری با طبقه سرمایه دار و کارفرمایان مطالبات کارگران را دنبال کند تشکیل بدهند، یعنی فعالیت هایشان در این زمینه با تلاش های خانه کارگر رژیم انطباق دارد.

### جهان امروز: با این توضیحاتی که در مورد سیاست های رژیم دادید، وضعیت مبارزات و سازمانیابی طبقه کارگر را در شرایط کنونی چگونه ارزیابی می کنید؟

صلاح مازوجی: طبیعی است با این وضع دشوار زندگی و فلاکت اقتصادی که به کارگران ایران تحمیل شده است و در شرایطی که بیکاری میلیونی و تیغ اخراج هرگونه امنیت شغلی را از آنان سلب کرده است، طبقه کارگر ایران در شرایط بسیار سختی اعتراضات و مبارزات خود را پیش می برد. سرمایه داری ایران بار سنگین برنامه های توسعه خود را بر دوش کارگران انداخته است، کارگران ایران نه تنها مجبورند که برای تامین حداقل معاش خویش مبارزه کنند، بلکه برای از دست ندادن کار و شغلشان یعنی تنها وسیله تامین معاش خود و خانواده شان هم باید مبارزه کنند. وقتی می بینیم صدها

هزار کارگر ایران مجبورند برای دریافت دستمزدهای معوقه شان مبارزه کنند، وقتی هر روز به بهانه نوسازی، یا عدم سودآوری، فلان بخش صنعتی را تعطیل و کارگران را بدون تامین اجتماعی از کار بیکار می‌کنند، وقتی هر روزه بخشی از کارگران را از شمول قانون کار خارج می‌کنند و یا همین قانون کار را در جهت تامین بیشتر حرص و آز سرمایه اصلاح می‌کنند، چه چیزی بهتر از این شرایط دشوار زندگی و مبارزات کارگران را به تصویر می‌کشد.

سرمایه داران با پشتیبانی رژیم اسلامی توانسته‌اند مطالبات کارگران را در تمام زمینه‌ها به عقب برانند. اما اگر رژیم و بورژوازی ایران توانسته‌اند با تحمیل این شرایط دهشتناک مطالبات کارگران را به عقب برانند، با اینهمه اعتراض و مبارزات کارگران سیر رو به رشدی داشته است و در چند ساله اخیر صحنه سیاسی ایران آکنده از مبارزات پرشور کارگران برای دستیابی به مطالباتشان بوده است. کارگران ایران در مقابل این یورش‌های سبعمانه سرمایه‌داران ایران به دفاع از کار و زندگی خود پرداخته‌اند و در چند سال گذشته طبقه کارگر هزاران اعتصاب کوچک و بزرگ، راهپیمایی و تجمع اعتراضی را تجربه کرده است و گاه برای عقب نشاندن تعرض رژیم و سرمایه‌داران متهورانه تا پای جان از خود استقامت نشان داده‌اند. مقاومت و مبارزه شجاعانه کارگران ذوب مس خاتون‌آباد کرمان و استقامت و پایداری کارگران دستگیر شده اول ماه مه شهر سقز نمونه‌هایی از جانفشانی کارگران در مبارزه برای احقاق حقوقشان بوده است.

دولت و سرمایه داران ایران تنها با بهره گرفتن از عدم سازمانیابی و فقدان تشکلهای توده‌ای و سراسری کارگران قادر شده‌اند که وضعیت فلاکت‌بار کنونی را به کارگران تحمیل کنند و اگر پیشروان و فعالین جنبش کارگری ایران به این نیاز طبقاتی و مبارزاتی پاسخ درخور خود را ندهند، سالهای برمتاب دشوارتری در پیش رو خواهند داشت. امروز وظیفه ایجاد و برپایی تشکلهای طبقاتی، توده‌ای و

مستقل از دولت کارگران که متکی به مبارزه کارگران برای مقابله و به شکست کشاندن سیاست های طبقه سرمایه دار ایران باشد، بعنوان یک ضرورت در مقابل همه فعالین و پیشروان جنبش کارگری ایران قرار گرفته است.

اما در رابطه با موقعیت سازمانیابی کارگران که در سئوالتان به آن اشاره کردید، روشن است که وقتی از وقوع هزاران اعتصاب و اعتراض کارگری در همین سالهای اخیر صحبت به میان می‌آید و وقتی که هر روزه شاهد اعتصابات و مبارزات کارگران برای دستیابی به مطالباتشان هستیم، این مبارزات بدون درجه‌ای از سازمانیابی و پیوند فعالین و پیشروان کارگری با یکدیگر و دخالت دادن توده کارگران امکان پذیر نیست. اما مسئله این است که این سازمانیابی‌ها خصلت گذرا و موقتی دارد و این درجه از سازمانیابی و ایجاد همبستگی برای پیشبرد یک آکسیون و یا عمل مبارزاتی مشخص همانطور که تجربه تاکنونی هم نشان داده است، پاسخگوی موقعیت کنونی جنبش کارگری نیست و با این سطح از سازمانیابی نمی‌توان جلو تعرض سرمایه‌داران و دولت شان را گرفت و به شکست کشاند.

اما روشن است که در شرایط کنونی تشکلهای طبقاتی و توده‌ای کارگران را نمی‌توان با اراده هیچ حزب و سازمانی بوجود آورد، این تشکلهای در دل مبارزه روزمره کارگران علیه طبقه سرمایه دار و برای دستیابی به مطالباتشان شکل می‌گیرد، مبارزات تاکنونی طبقه کارگر ایران و بویژه رشد مبارزات آنان در چند ساله اخیر زمینه‌های مناسبی را برای ایجاد این تشکلهای فراهم آورده است. پیشروان و فعالین کارگری در دل این مبارزات سازماندهی و برپایی هزاران اعتراض و اعتصاب کارگری را تجربه کرده‌اند. این طیف از کارگران به تجربه دریافته‌اند که بدون سازماندهی و ایجاد تشکلهای طبقاتی کارگران، پیشروی در مبارزه علیه هجوم سرمایه‌داران و رژیم شان ممکن نیست و تاکنون همت، تجربه و خودآگاهی همین پیشروان کارگری بوده است که نگذاشته است بورژوازی ایران

تشکلهای مورد نظر خودش را تشکیل و به طبقه کارگر ایران قالب کند. اما باید توجه داشته باشیم که در شرایط خفقان جمهوری اسلامی و در شرایطی که از آزادیهای دموکراتیک در جامعه خبری نیست، در واقع حضور هر چه وسیعتر کارگران در پروسه ایجاد این تشکلهای بخشی از روند دمکراتیزه کردن جامعه هم هست. حضور گسترده کارگران در پروسه ایجاد و حفظ این تشکلهای میتواند برپایی این تشکلهای را عملا به رژیم جمهوری اسلامی تحمیل کند. نباید به امید بوجود آمدن شرایط دموکراتیک در ایران در حالت انتظار نشست و تلاش برای برپایی تشکلهای توده‌ای و طبقاتی کارگران را به آینده‌ای نامعلوم محول کرد.

در وضعیت کنونی تنها آن تشکلهایی نه تنها امکان برپایی، بلکه امکان ادامه‌کاری و به عقب راندن تعرض بورژوازی و به شکست کشاندن سیاستهای دولت و سرمایه‌داران ایران را دارند که بتوانند حضور هر چه گسترده‌تری از کارگران را در این کارزار طبقاتی تامین کنند و برای تحقق خواستها و مطالبات کارگران به مبارزه کارگران و دخالت مستقیم آنان در تصمیم‌گیری‌ها متکی باشند. اگر رژیم جمهوری اسلامی و لیبرالیسم بورژوازی ایران با اتکا به رفرمیسم درون جنبش کارگری که تا دیروز شرکت در شوراهای اسلامی را موعظه می‌کردند، در تلاش است تا تشکلهایی با ساختار بوروکراتیک که در سازش با سرمایه داران خواستهای کارگران را "تعقیب" کند بوجود آورند، پیشروان رادیکال و سوسیالیستهای درون جنبش کارگری ایجاد تشکلهایی را در دستور کار خود قرار داده‌اند که بتواند دخالت مستقیم و گسترده کارگران را در تصمیم‌گیری‌ها تامین کند و برای تحمیل مطالبات کارگران به سرمایه‌داران و دولت به مبارزه خود کارگران متکی باشد. ایجاد و برپایی شوراها و اتحادیه‌های کارگری و متکی کردن این تشکلهای به مجامع عمومی و دخالت مستقیم کارگران می‌تواند ظرف‌های مناسبی برای سازمانیابی کارگران باشند. فعالین سوسیالیست درون جنبش کارگری که تصویر روشنی

از ماهیت سیاستها، اهداف و استراتژی بورژوازی ایران دارند، می‌توانند نقش تعیین کننده‌ای در ایجاد این تشکلهای داشته باشند.

**جهان امروز: در این قطعنامه، به درستی به مهم‌ترین و گره‌ی‌ترین امر طبقه کارگر در این دوره، یعنی به امر تشکیل‌یابی کارگران تاکید گردیده است. با توجه به گرایشات مختلفی که در درون طبقه کارگر وجود دارد و هر کدام از این گرایشات چشم انداز و افق متفاوتی را دنبال می‌کنند، در این میان کارگران پیشرو، رادیکال و کمونیست، چه نوع سازمان‌یابی را باید در اولویت تلاش‌های خود قرار دهند که نه تنها از طریق این تشکل، مطالبات صنفی و اقتصادی طبقاتی کل طبقه را دنبال کند، در عین حال به مسایل سیاسی و اجتماعی نیز در حد توان و موقعیت و ظرفیت خود بپردازد تا طبقه آماده سازد؟**

صلاح مازوجی: با این خصلت و انتظاراتی که از تشکل توده‌ای کارگران در بالاتر اشاره شد یعنی تامین دخالت مستقیم کارگران در پروسه ایجاد این تشکلهای و دخالت دادن مستقیم آنها در تمام تصمیم‌گیری‌ها، فکر می‌کنم شوراهای کارگری مناسبترین ظرف سازمانیابی کارگران هستند. چون شورای کارخانه، فابریک یا یک مرکز صنعتی چیزی جز جلسات منظم و سازمانیافته مجموعه کارگران آن واحد نیست که بنا به تعریف امکان شور و مشورت و دخالت مستقیم کارگران در پروسه ایجاد، تصمیم‌گیری‌ها و تقسیم کار آن را فراهم می‌آورد. هر کارگر کارخانه بطور اتوماتیک عضو شورای کارگران است و می‌تواند در صورت تمایل خود و جلب اعتماد اکثریت کارگران در کمیته‌ها یا نهادهای اجرایی شورا عضویت داشته باشد. جدا از



اینها جدال و مبارزه کارگران با صاحبان صنایع و کارفرمایان چنان با مبارزه علیه سیاست‌های رژیم در هم تنیده شده‌اند که بدون پیشبرد همزمان مبارزه سیاسی و اقتصادی علیه کارفرمایان و دولت پیشروی در این مبارزه قابل تصور نیست. با توجه به این وضعیت کارگران به اشکال مختلفی از مبارزه و سازمانیابی روی می‌آورند، اما تصور اینکه کارگران ایجاد دو نوع تشکل یکی برای پیشبرد مبارزات صنفی و دیگری برای مبارزه سیاسی را در دستور خود قرار دهند مشکل است. در این رابطه هم شوراها تاریخاً نشان داده‌اند که ظرف مناسبتری برای پیشبرد هر دو عرصه مبارزه کارگران هستند.

در قطعنامه مصوب کنگره هشتم حزب، هم به شورا و هم به اتحادیه اشاره شده است. چون می‌دانیم تکامل مبارزه کارگران اشکال متنوعی از سازمانیابی را در دستور کار فعالین و پیشروان این جنبش قرار می‌دهد، فعالین کمونیست هر چند که تاریخاً با ایده شورا و جنبش شورایی تداوی شده و می‌شوند اما هر جا که روند عینی اوضاع ایجاد اتحادیه و سندیکا را در دستور فعالین کارگری قرار داد، فعالین و پیشروان کمونیست بدون آنکه تردیدی بخود راه دهند باید فعال ایجاد اتحادیه و سندیکا هم باشند، تنها در این صورت است که در گامهای بعدی می‌توانند با رشد بوروکراسیسم در این تشکلهای مبارزه کنند و این اتحادیه‌ها را به مکانیسم‌هایی متکی کنند که دخالت مستقیم کارگران در تصمیم‌گیریها را تامین کند. نباید تشکیل اتحادیه و سندیکا را به رفرمیست‌ها واگذار کرد. از اینها گذشته ما می‌دانیم که در ایران بخش وسیعی از کارگران در کارگاههای کوچک کار می‌کنند، برای این بخش از کارگران و برای کارگران بخش ساختمانی و یا کارگرانی که در آجرپزی‌ها به کار اشتغال دارند و کلاً آن رشته‌هایی که بدلیل موقعیت اقتصادی‌شان تمرکز کارگران در یک محل و واحد تولیدی محدود است اتحادیه و سندیکا شکل مناسبتری برای سازمانیابی کارگران است و کارگران را در موقعیت قوی‌تری در

مقابل سرمایه‌داران قرار می‌دهد و فعالین سوسیالیست در این رشته‌ها باید از فعالین ایجاد اتحادیه و سندیکا باشند. از اینکه ما شوراها را آلترناتیو مناسبتری برای سازمانیابی توده‌ای کارگران می‌دانیم و فکر می‌کنیم که پیشروان و سوسیالیست‌های درون جنبش کارگری باید فعال و مروج جنبش شورایی باشند و یا اینکه در سازمانیابی شورایی بدلیل وجود دموکراسی مستقیم سوسیالیست‌های کارگری از امکان بیشتری برای پیشبرد نظراتشان برخوردارند نباید دچار این تصور نادرست شویم که حتماً اگر شوراها ایجاد شدند آنها بطور اتوماتیک با سوسیالیسم و افق سوسیالیستی تداوی می‌شوند. اگر تشکلهای توده‌ای کارگران شکل بگیرند، تازه آزمون است که مبارزه گرایش‌های درون جنبش طبقه کارگر هم تکامل پیدا می‌کند و خود این تشکلهای در همانحال که ظرف مبارزه کارگران برای رسیدن به خواسته‌هایشان هستند، به ظرف پیشبرد مبارزه گرایش‌های درون جنبش طبقه کارگر هم تبدیل می‌شوند و گرایش سوسیالیستی تنها در صورت نشان دادن حقانیت استراتژی، سیاستها و تاکتیک‌هایش در میدان عمل و در ابعاد اجتماعی است که می‌تواند در میان کارگران هم توده‌گیر شود.

**جهان امروز: حزب کمونیست ایران، برای پراتیک کردن این قطعنامه چه نقشه عمل و وظایفی را در قبال سازمانیابی جنبش کارگری ایران در دستور این دوره از فعالیت‌های خود قرار داده است؟ در رابطه با تحولات جنبش کارگری در ایران، نظیر واقعه‌ای که در شهر بابک با کشتار کارگران توسط نیروهای انتظامی روی داد و یا کارگرانی که در روز اول ماه قصد داشتند مراسم مستقل جهانی خود را در شهر سقز برگزار کنند، مورد یورش نیروی انتظامی قرار گرفتند و ۷ نفر از فعالین جنبش**

## کارگری دستگیر و سپس در اثر مبارزه مردم سقز و شهرهای دیگر ایران، خانواده‌های دستگیرشدگان، مدافعین جنبش کارگری در خارج کشور و اتحادیه‌های آزاد بین‌المللی آزاد شدند، اما هنوز محاکمه‌شان تمام نشده است، کدام شکل از فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی را مناسب می‌دانید؟

صلاح مازوجی: سازمانیابی و ایجاد تشکلهای توده‌ای و مستقل از دولت کارگران امر خود کارگران و فعالین و پیشروان کارگری و حاصل تکامل و پیشروی مبارزه آنان علیه سرمایه‌داران است، اما کاری که می‌تواند در این دوره به امر تشکلیابی کارگران یاری رساند افزایش ماهیت تلاش‌های رژیم جمهوری اسلامی و لیبرالیسم بورژوازی ایران است برای ایجاد تشکلهای مورد نظر خودشان، تا از این طریق بتوانند مبارزات کارگری را در چهارچوب قوانین ارتجاعی و ضدکارگری بورژوازی محصور دارند - پیش‌تر در همین رابطه به همکاری‌های جمهوری اسلامی با سازمان جهانی کار اشاره شد - اینها با اتکا به رفرمیست‌های درون جنبش کارگری می‌خواهند برخی از انجمن‌های صنفی و یا سندیکاها را که اساسنامه شان مورد تایید خانه کارگر رژیم است را به کارگران به عنوان تشکل کارگری قالب کنند و یا تشکلهایی را که ارگان سازش کارگران به کارفرما و دولت باشد را بوجود آورند. و باز در همین رابطه لازم است که تصویر روشنی از استراتژی و سیاست‌های لیبرالیسم بورژوازی ایران و آلترناتیوی که برای بیرون آوردن سرمایه‌داری ایران از بحران کنونی ارائه می‌دهند و همچنین راهکارهایی که در همین رابطه پیش پای جنبش کارگری و دیگر جنبش‌های اجتماعی قرار می‌دهند را ارائه دهیم و افق سیاسی و اجتماعی روشنی، افق سوسیالیستی را در پیش پای فعالین و پیشروان کارگری بگذاریم. کاری که در بیانیه پایانی کنگره هشتم رؤس آن بیان شده است.

در رابطه با دفاع از مبارزات کارگری در داخل که بدان اشاره کردید به نظم همکاری و همگامی وسیع فعالین و مدافعین جنبش کارگری در خارج کشور ضروری است. این نیروها و فعالین طیف نسبتاً وسیع و ناهمگونی را تشکیل می‌دهند، در اینجا صحبت از آن گرایشاتی که خود را با حزب توده و اکثریتی‌ها تداوی می‌کنند نیست، اینها مدت‌هاست که چهارچوب‌های تعیین شده از جانب رژیم و بورژوازی ایران را پذیرفته‌اند و مدافع منافع بورژوازی در درون جنبش کارگری هستند، و در گذشته هم موعظه‌گر همکاری و شرکت در شوراها اسلامی بوده‌اند.

صحبت از آن طیف وسیعی است که خود را مدافع منافع کارگران در مقابل سرمایه‌داران و دولتشان می‌دانند و پراتیک فعالیت‌های تاکونونی‌شان هم علیرغم توهّمات و ابهاماتی که در مقطعی از خود نشان داده‌اند، همین را نشان داده است، در این رابطه، هم باید وجود نیروهای سیاسی را به رسمیت شناخت و هم وجود طیف وسیعی از فعالین منفرد و جمع‌ها و مجافلی که امر خود را خدمت به جنبش کارگری قرار داده‌اند. این را هم باید به رسمیت شناخت که این طیف همه مثل هم فکر نمی‌کنند و راه‌های واحدی را پیش پای فعالین جنبش کارگری برای غلبه بر معضلات سر راه این جنبش قرار نمی‌دهند، برای نمونه در جریان همین کمپین دفاع از دستگیر شدگان اول ماه مه شهر سقز در میان این طیف اختلاف وجود داشت، از همان اوایل بعضی از دوستان اصرار داشتند که بگویند این حرکت سیاسی نیست، بدون آنکه توجه کنند که در ایران منافع سرمایه‌داران و رژیم اسلامی چنان در هم تنیده شده است که هرگونه پافشاری کارگران بر ابتدایی‌ترین حقوق خودشان بلافاصله به یک مبارزه سیاسی تبدیل می‌شود. و یا در این اواخر بعضی از رفقا بسیار صمیمانه و بدون آنکه خودشان متوجه شده باشند که با این کار توهّم به سیاستهای رژیم و قوه قضائیه رژیم را دامن می‌زنند از کومه‌له انتظار داشتند که طی اطلاعیه‌ای اعلام

## قطنامه کنگره هشتم حزب کمونیست ایران درباره موقعیت کنونی جنبش کارگری ایران و سازمانیابی آن

شرایط سخت و دشوار زندگی و فلاکت اقتصادی بی‌سابقه ای که به طبقه کارگر ایران تحمیل شده است، واقعیتی انکارناپذیر است. بیکاری و فقر اقتصادی صدها هزار خانواده کارگری را با مشکلات معیشتی و درمانی روبرو کرده و از هستی ساقط کرده است. اگر چه سهم کارگران ایران تحت نظام سرمایه‌داری جز زندگی در فقر و محرومیت نبوده است، اما تحمیل اوضاع دهشتناک کنونی به طبقه کارگر ایران تنها گوشه‌ای از پیامدهای سیاست‌های تعدیل اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی و بورژوازی ایران است.

اتخاذ سیاست‌های نئولیبرالیستی و پیروی از مدل توسعه اقتصادی بر مبنای طرح‌های مراکز مالی جهانی و تلاش برای ادغام هرچه بیشتر در بازار سرمایه جهانی که به شروع روند خصوصی سازی صنایع و بی‌کارسازی‌های گسترده کارگران توأم بود نمی‌توانست عواقبی غیر از این داشته باشد.

خارج کردن کارگاه‌های کوچک از شمول قانون کار و رواج دادن کار بر مبنای قراردادهای موقت از دیگر عوارض سیاست‌های اقتصادی رژیم اسلامی و بورژوازی ایران بوده است که میلیونها کارگر را به شرایط کار بردگی رانده است.

سرمایه داران و صاحبان صنایع که از حمایت بی چون و چرای دولت برخوردار هستند در جهت کسب سود بیشتر و تحمیل شرایط غیرانسانی‌تر به کارگران در زمینه پرداخت دستمزدها، اخراج، اجرای طرح باخرید کارگران، اجرای قانون بازنشستگی قبل از موعد کارگران و بسیاری زمینه‌های دیگر حتی خود را ملزم به رعایت قانون کار ارتجاعی رژیم اسلامی نمی‌دانند.

علیرغم این واقعیت که رژیم و بورژوازی ایران توانستند با تحمیل این شرایط دهشتناک مطالبات کارگران را به عقب برانند، بطوری که کارگران مجبور شده‌اند حتی برای دریافت دستمزدهای معوقه شان با دولت و کارفرما دست و پنجه نرم کنند، اما اعتراض و مبارزات کارگران سیر رو به رشدی داشته است. طبقه کارگر ایران در مقابل یورش‌های سعبانه سرمایه داری ایران به دفاع از کار و زندگی خود پرداخته است و در چند سال گذشته هزاران اعتصاب کوچک و بزرگ، راهپیمایی و تجمع اعتراضی را تجربه کرده است و گاه کارگران برای عقب نشاندن تعرض رژیم و سرمایه داران متهورانه تا پای جان از خود استقامت نشان داده‌اند. مقاومت و مبارزه شجاعانه کارگران ذوب مس خاتون آباد کرمان و استقامت و پایداری کارگران دستگیر شده اول ماه مه شهر سقز نمونه‌هایی از جانفشانی کارگران در مبارزه برای احقاق حقوقشان بوده است. دولت و سرمایه داران ایران با بهره گرفتن از عدم سازمانیابی و فقدان تشکلهای توده‌ای و سراسری کارگران نه تنها قادر شده‌اند که وضعیت فلاکت‌ناز کنونی را به کارگران تحمیل کنند، بلکه از برنامه های اقتصادی توسعه چهارم، پیداست که سالهای بمراتب دشوارتری را نیز برای کارگران تدارک دیده‌اند.

اکنون همه نشانه‌ها حاکی از آن است که جمهوری اسلامی و بورژوازی ایران در جهت انطباق هرچه بیشتر خود با برنامه های استراتژیک اقتصادی ای که در پیش گرفته‌اند و به منظور رفع موانع در جهت ادغام هر چه بیشتر در بازار سرمایه و با هدف مهار و به کنترل درآوردن اعتراضات و مبارزات کارگری در تالشند تا «تشکلهای کارگری» مورد نظر خودشان را ایجاد کنند.

رژیم جمهوری اسلامی و بورژوازی ایران در همکاری با سازمان جهانی کار و با قبول برخی از مقاوله‌نامه‌های این سازمان که شرط ورود و عضویت در سازمان تجارت جهانی است عملاً در تلاش است که برخی از انجمن‌های صنفی و سندیکاها را که زیر نظر خانه کارگر رژیم ساخته شده‌اند را به عنوان تشکل کارگری هم به مراجع بین المللی و هم به کارگران بقبولانند.



کارگری کاری که در این دوره انجام گرفت، برگزاری جلسات و سمینارهایی که به وظایف سیاسی و عملی ما در قبال تحولات جنبش کارگری در داخل می‌پردازد و... می‌توانند بخشی از فعالیت‌های ما در خارج کشور باشد. البته این فعالیت‌ها نباید یکجانبه باشد، نیروهای این حرکت باید هر جا که امکان یافتند در اعتراضات و مبارزات کارگران کشورهای محل اقامت خود شرکت کنند و خود را جزوی از نیروی مبارزات آنها بدانند و از این راه به همبستگی بین المللی کارگران کمک نمایند.

و باز در جهت حمایت و پشتیبانی از مبارزات کارگری در داخل، تلاش برای تشکیل یک صندوق همیاری کارگری در خارج کشور می‌تواند بسیار مفید باشد، تا در مواردی که وقایعی مشابه جانباختن کارگران مس خاتون‌آباد پیش می‌آید این صندوق بتواند به خانواده جانباختگان و همچنین خانواده کارگران زندانی یاری برساند.

→ کند که کارگران دستگیر شده هیچ رابطه‌ای با کومه‌له ندارند. این در حالی بود که اتحادیه‌های کارگری در نامه‌شان به مقامات رژیم تاکید کرده بودند که این کارگران بخاطر تلاش برای برگزاری مراسم اول ماه مه دستگیر شده‌اند و همه این را می‌دانند.

با وجود این اختلافات نباید تردیدی به خود راه دهیم که باید با این طیف از رفقا همکاری کنیم و در مواردی که اختلاف پیش می‌آید صمیمانه اختلافاتمان را توضیح دهیم. تنها در جریان این همکاری‌های عملی و بحث و دیالوگ صمیمانه حول مسائل و معضلات سر راه جنبش کارگری است که گرایش سوسیالیستی امکان می‌یابد که حقانیت و درستی سیاست‌های خودش را نشان دهد.

تجربه کمپین دفاع از کارگران مس خاتون‌آباد و کمپین دفاع از دستگیر شدگان اول ماه مه شهر سقز نشان داد که این همکاری‌ها امکان‌پذیر و عملی است و ما می‌توانیم علیرغم وجود این اختلافات در یک جبهه وسیع کارگری در کنار هم قرار بگیریم و همکاری‌های وسیعی را پیش ببریم، تلاش برای حضور در مجامع کارگری کشورهاییکه رفقا در آنجا مقیم هستند، معرفی جنبش کارگری ایران به این مجامع و تلاش برای جلب حمایت و شرکت در آکسیون‌هایی که به حمایت از کارگران ایران شکل می‌گیرد، جلب حمایت اتحادیه‌های

## جهان امروز

نشریه سیاسی  
حزب کمونیست ایران

سردبیر:

هلمت احمدیان

۱۵ روز یکبار منتشر می‌شود.

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال دارید.

ha@cpiran.org

شماره حساب جهان امروز

S-E Banken F-S  
53682990054

– «جهان امروز» تنها مطالبی را که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد چاپ می‌کند.

– استفاده از مطالب جهان امروز، با ذکر ماخذ آزاد است.

– مسئولیت مطالب «جهان امروز» با نویسندگان آن است و تنها مطالبی که با نام «جهان امروز» امضا شده باشند، موضع رسمی نشریه است.

– جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می‌رسد.

– مطالب «جهان امروز» با برنامه واژه نگار تایپ می‌شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی دو صفحه ۴۲ با سایز ۱۶ می‌باشد.

⇒ رژیم جمهوری اسلامی و بورژوازی ایران در تلاشند تا تحت عنوان تشکل مستقل کارگری، تشکلهایی را که در سازش و همکاری با طبقه سرمایه‌دار و کارفرمایان مطالبات کارگران را «دنبال» کند، تشکیل بدهند.

این تلاش‌ها در شرایطی که بی اعتباری و ورشکستگی شوراهای اسلامی بر همگان عیان شده است و حتی صاحبان صنایع و کارفرمایان هم آنان را بعنوان تشکلی که ظرفیت کنترل اعتراضات کارگری را داشته باشند، برسمیت نمی شناسند موضوعیت بیشتری پیدا کرده است.

امروز در شرایطی که مسئله تشکلهایی کارگران به اساسی‌ترین معضل و گره‌گاه جنبش کارگری ایران تبدیل شده است، وظیفه ایجاد و برپایی تشکلهای طبقاتی، توده‌ای و سراسری کارگران که متکی به مبارزه کارگران برای مقابله و به شکست کشاندن سیاست‌های طبقه سرمایه‌دار ایران باشد، بعنوان یک ضرورت در مقابل همه فعالین و پیشروان جنبش کارگری ایران قرار گرفته است.

از آنجا که سازمانیابی و تشکل طبقاتی کارگران در دل مبارزه روزمره کارگران علیه طبقه سرمایه دار و برای دستیابی به مطالباتشان شکل می گیرد، مبارزات تاکتونی طبقه کارگر ایران و بویژه رشد مبارزات آنان در چند ساله اخیر زمینه‌های مناسبی را برای ایجاد این تشکل‌ها فراهم آورده است. پیشروان و فعالین کارگری در دل این مبارزات سازماندهی هزاران اعتراض و اعتصاب کارگری را تجربه کرده‌اند. این طیف از کارگران به تجربه دریافته‌اند که بدون سازماندهی و ایجاد تشکلهای طبقاتی کارگران، پیشروی در مبارزه علیه هجوم سرمایه‌داران و رژیم‌شان ممکن نیست.

تاکنون گرایش‌های مختلف در درون جنبش کارگری در مقابل سیاست‌های رژیم اسلامی و بخش‌های مختلف بورژوازی عکس‌العمل‌های متفاوتی از خود نشان داده‌اند، اما اگر بورژوازی ایران تاکنون نتوانسته تشکلهای مورد نظر خودش را تشکیل و به طبقه کارگر ایران قالب کند، دقیقاً به همت تجربه، خودآگاهی و مبارزه فعالین و پیشروان رادیکال و سوسیالیست کارگری بوده است.

اکنون در شرایطی که تلاش‌های نسبتاً وسیعی برای برپایی تشکلهای طبقاتی و توده‌ای کارگران در میان فعالین این جنبش در جریان است، تنها آن تشکلهایی امکان برپایی، ادامه کاری و به عقب راندن تعرض بورژوازی و به شکست کشاندن سیاست‌های دولت و سرمایه‌داران ایران را دارند که بتوانند حضور هرچه گسترده‌تری از کارگران را در این کارزار طبقاتی تامین کنند و برای تحقق خواستها و مطالبات کارگران به مبارزه کارگران و دخالت مستقیم آنان در تصمیم‌گیری‌ها متکی باشند. در شرایط خفقان جمهوری اسلامی و در شرایطی که از آزادیهای دموکراتیک که لازمه ادامه کاری این تشکل‌ها می‌باشد، خبری نیست حضور گسترده کارگران در پروسه ایجاد و حفظ این تشکل‌ها میتواند برپایی و ادامه کاری این تشکل‌ها را عملاً به رژیم جمهوری اسلامی تحمیل کند.

اگر رژیم جمهوری اسلامی و لیبرالیسم بورژوازی ایران با اتکا به رفرمیسم درون جنبش کارگری که تا دیروز شرکت در شوراهای اسلامی را موعظه می کردند در تلاش است تا تشکلهایی با ساختار بوروکراتیک که در سازش با سرمایه داران و دولت، خواستهای کارگران را «پیگیری» کند بوجود آورند، پیشروان رادیکال و سوسیالیست‌های دورن جنبش کارگری ایجاد تشکل‌هایی را در دستور کار خود قرار داده‌اند که بتواند دخالت مستقیم و گسترده کارگران را در تصمیم‌گیری‌ها تامین کند و برای تحمیل مطالبات کارگران به سرمایه داران و دولت به مبارزه خود کارگران متکی باشد. ایجاد و برپایی شوراهای یا اتحادیه‌های کارگری و متکی کردن این تشکل‌ها به مجامع عمومی و دخالت مستقیم کارگران برای اجتناب از تبدیل شدن تشکل کارگری به تشکلهایی بوروکراتیک، می تواند ظرف‌های مناسبی برای سازمانیابی کارگران باشند.

این تشکلهای کارگری باید مستقل از دولت باشند، یعنی دولت نباید هیچ نقشی در تشکیل آنها داشته باشد. دولت نباید هیچگونه مانع و قید و شرطی برای برسمیت شناختن تشکلهای کارگری بوجود آورد. حق تشکل کارگری باید برسمیت شناخته شود و کارگران مختار باشند تا هرگونه که خود می خواهند تشکل خود را برپا دارند. گرایش سوسیالیستی کارگری مانند هر گرایش سیاسی و حزبی دیگری خود را مجاز و موظف می داند که در درون چنین تشکلی به اشاعه سیاست‌های خود بپردازد و با کمک مکانیسم‌های دموکراتیک برای کسب رهبری آن تلاش کند.

فعالین سوسیالیست درون جنبش کارگری که تصویر روشنی از ماهیت سیاست‌ها، اهداف و استراتژی بورژوازی ایران دارند می توانند نقش تعیین کننده‌ای در ایجاد این تشکل‌ها داشته باشند. افشای تلاش‌ها و سیاست‌های لیبرالی که می خواهد با کنترل تشکلهای توده‌ای کارگری آنها را از هرگونه خصوصیت رادیکال ضدسرمایه داری خالی کند و با به کنترل درآوردن این تشکل‌ها کل جنبش کارگری را مهار کند باید جزو وظایف تعطیل‌ناپذیر گرایش سوسیالیست کارگری باشد.

تلاش برای ایجاد و تقویت همبستگی بین جنبش کارگری و جنبش‌های اجتماعی دیگر نظیر جنبش انقلابی کردستان، جنبش زنان و جنبش دانشجویی امر سوسیالیست‌های کارگری است. تنها طبقه کارگر متشکل با افق سوسیالیستی است که می‌تواند نقش تعیین کننده خود را در جنبش آزادیخواهانه ایران برای دمکراتیزه کردن جامعه، سرنگونی جمهوری اسلامی و تحقق انقلاب کارگری ایفا کند. تیرماه ۱۳۸۳ - جولای ۲۰۰۴ ■

## دادگاه تفتیش عقاید فعالین کارگری اول مه سفر را محکوم کنیم!

تظاهرات اول ماه مه در شهر سفر صدای اعتراض جنبش کارگری ایران و کردستان و صدای خواسته‌های طبقاتی و جهانی کارگران و بانگ رسای گرایش سوسیالیستی طبقه کارگر است که مورد حمایت و همبستگی بین‌المللی کارگران و اتحادیه‌های و نهادهای کاری قرار گرفته و رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی را مجبور کرد که رهبران کارگری دستگیرشده را آزاد کند.

سرکوب و تعرض جمهوری اسلامی چه آنزمان که زیر فشار این همبستگی مجبور به آزادی این کارگران رزمنده شد و چه اکنون که می‌خواهد آنان را در روزهای ۲۳ و ۲۴ آگوست با ترفندهای جدید و با اتهام همکاری با کومله آنها را در دادگاه تفتیش عقاید محاکمه نماید، تعرضی است علیه کل طبقه کارگر و علیه تلاش فعالین و رهبران کارگری برای ایجاد تشکل طبقاتی و مستقل کارگری و دفاع از حق اعتصاب، اعتراض، آزادی بیان و تجمعات کارگری می‌باشد. تعرضی است از جانب دولت سرمایه‌داری جمهوری اسلامی علیه دستاوردهای تاریخی و با ارزش جنبش طبقاتی کارگران و همبستگی آن با جامعه کارگری در عرصه بین‌المللی.

تلاش ارتجاعی جمهوری اسلامی برای به محاکمه کشاندن محمود صالحی، جلال حسینی، برهان دیوانگر و محمدعبدی‌پور فعالین جنبش کارگری کردستان و ایران را می‌توان با مبارزهای جدی و با همبستگی بین‌المللی کارگران و همه مردم آزادیخواه و مترقی به شکست کشاند. این کارزار وسیع هم‌اکنون در اشکال مختلف در ابعاد جهانی در شهرهای بزرگ سوئد، انگلستان، فنلاند، کانادا، آلمان و غیره در جریان است.

ما احزاب چپ و کمونیست و اتحادیه‌های کارگری و نهادهای طرفداران جنبش کارگری و همه مردم آزادیخواه و مترقی را به شرکت فعال در این کارزار جهانی برای آزادی کامل و بدون قید و شرط این فعالین کارگری فراموش نکنیم و خواهان لغو و محکوم کردن رسمی و علنی این محاکمه ارتجاعی رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی هستیم.

**کمیته خارج کشور حزب  
کمونیست ایران**

۱۶-۸-۲۰۰۴



## اهداف رژیم جمهوری اسلامی

## از محاکمه فعالین کارگری اول مه سقز

جلال محمدنژاد

اسلامی کاملاً متوجه پتانسیل جنبش کارگری و فعالین آن در این زمینه هست و تمام سعی خود را خواهد کرد که بدیل خود را در این زمینه به کرسی بنشاند. جمهوری اسلامی در تلاش است که به کمک سازمان جهانی کار و همه گرایشاتی که در این میان او را کمک خواهند کرد، نوعی از تشکل قلابی را به طبقه کارگر قالب کند که عملاً وابسته به دولت بوده و بر سر منافع طبقه سرمایه‌دار و کارفرمایان به نمایندگی از طرف کارگران به سازش طبقاتی و بستن قراردادهای درازمدت اقتصادی بکشد. این تلاش رژیم در اثر فعالیت بی‌امان پیشروان کارگری و افشاگری‌های جریان رادیکال و سوسیالیست تاکنون نتوانسته ره به جایی ببرد. مسلم اینکه این یک کارزار طبقاتی و اجتماعی است که در آن گرایشات طبقاتی هرکدام بدیل و آلترناتیو خود را دنبال کرده و برای به کرسی نشاندن آن متحدین خود را چه در عرصه داخلی و چه در عرصه جهانی پیدا خواهند کرد.

کمپین جهانی دفاع از کارگران زندانی سقز و پشتیبانی شمار زیادی از اتحادیه‌های کارگری، فشار آنها و افشاگری آنان علیه رژیم برای آزادی کارگران و محکوم نمودن دادگاهی این فعالین کارگری و ... زمینه و شرایط بسیار مناسبتری برای جنبش کارگری ایران و فعالین آن بوجود آورده که تلاش خود برای ایجاد و تحمیل تشکل طبقاتی و توده‌ای کارگری مستقل از دولت و سرمایه‌داران را به شکل جدی ادامه دهند. مراسم اول ماه مه سقز و مجموعه همبستگی و پشتیبانی که در عرصه بین‌المللی برای جنبش کارگری ایران و فعالین آن بوجود آمده و تلاش جهانی که هم اکنون در جریان است، رهبران کارگری و مبارزه بی‌امان آنان را به جهانیان شناسانده و در ادامه این حرکت می‌توان انتظار پشتیبانی وسیعتر اتحادیه‌ها و نهادهای کارگری را برای تقویت این تلاش جنبش کارگری داشت و برای تامین آن در هر سطحی بیدریغ فعالیت نمود.

دادگاهی کردن فعالین کارگری تظاهرات اول ماه مه سقز در واقع دادگاهی کل طبقه کارگر

کارگری ایجاد کرده که برای ایجاد یک همچون تشکیلاتی گام برداشته و فعالین و عناصر صاحب نفوذ خود را برای این کارزار مهم و طولانی آماده کند. وجود فعالین سرشناس و بانفوذ کارگری امروز خود بخشی از تحول سیاسی اخیر جامعه ایران و کردستان است. اگر در دوره کوتاهی جنبش اصلاحات توانست در میان جنبش‌های اعتراضی برای خود جایابی باز کرده و برای ایجاد توهم و خوش‌باوری به جمهوری اسلامی و نظام سرمایه‌داری تلاش کند، امروز دیگر بخش‌های وسیعی از فعالین جنبش کارگری و سایر جنبشهای انقلابی از این توهमत گذر کرده و با اتکا به نیروی واقعی خود و پشتیبانی جهانی در عرصه‌های مختلف برای دنبال کردن خواست‌ها و مبارزاتشان اقدام کرده و پیشروان کارگری و گرایش رادیکال و سوسیالیست در جنبش کارگری ایران و کردستان نیز در بستر این مبارزه کارگری و تلاش همه‌جانبه خود را بیشتر سازمان داده و از این تناسب قوا به نفع تقویت گرایش خود استفاده کرده و برای تحمیل تشکل علنی و طبقاتی خود تلاش خواهند کرد. رژیم جمهوری اسلامی متوجه این تلاش هست و تمام سعی و توان خود را برای محروم کردن کارگران ایران از حمایت و پشتیبانی بین‌المللی بکار خواهد بست و سعی می‌کند که کارگران را در انتظار اتحادیه‌ها و نهادهای کارگری بدنام جلوه دهد و برای این کار علیه آنها به انواع اتهام و پرونده سازی متوسل شود. مزدوران جمهوری اسلامی در همه سطوح تجربیات بالایی در بی‌اعتبار کردن انسان‌های انقلابی و شرافتمند داشته و ترفندهای متعددی را برای اینکار در طول سالیان دراز تجربه کرده‌اند. یکی از اهداف واقعی رژیم اینست که بر سر راه پروسه تلاش جنبش کارگری و فعالین آن برای ایجاد تشکل طبقاتی و مستقل، سنگ اندازی کرده و مانع ایجاد نماید. جمهوری

توانست رهبران جنبش کارگری ایران و کردستان را در ابعاد بین‌المللی به افکار عمومی و به جنبش جهانی کارگران بشناساند. رژیم جمهوری اسلامی متوجه ابعاد تاثیرات این حرکت که دیدار این فعالین کارگری و هیئت کنفدراسیون جهانی اتحادیه‌های آزاد کارگری دریچهای برای رساندن پیام آنها به گوش کارگران جهان گردید، شده بود و به همین خاطر برای سرکوب آن بدون درنگ نیروهای سرکوبگر خود را به جان تظاهرکنندگان انداخت، به وحشیانه‌ترین شکل آنها را زیر ضرب و شتم گرفته و تعداد زیادی از آنها را دستگیر کرد.

قطعنامه مراسم اول ماه مه سقز، اعتراض طبقه کارگر علیه کلیت نظام سرمایه‌داری، ضرورت دفاع از منافع عمومی طبقه کارگر و همبستگی بین‌المللی آن را نوید می‌دهد. تظاهرات اول ماه مه سقز و دستگیر شدن رهبران بانفوذ و سرشناس جنبش کارگری، مقاومت شجاعانه و اعتصاب غذای ۱۱ روزه آنان، پشتیبانی بیدریغ مردم مبارز سقز و حمایت بین‌المللی، صدای جنبش کارگری ایران و کردستان و صدای گرایش رادیکال و سوسیالیستی و خواست کارگران ایران برای تشکل طبقاتی و مستقل و ایجاد تجمعات کارگری را دوباره به گوش جهانیان رساند و رژیم جمهوری اسلامی مجبور شد که در مقابل این کارزار و مبارزه جهانی عقب نشیند و تلاش‌های رژیم در این رابطه شکست خورد.

تلاش فعالین جنبش کارگری برای ایجاد تشکلات طبقاتی و توده‌ای کارگران که مستقل از دولت و سرمایه‌داران بوده و بر اراده و تصمیم جمعی و حضور گسترده کارگران متکی باشد و منافع عمومی کارگران را نمایندگی نماید، نیز روشن است که بر یک پیشینه و زمینه تاریخی استوار است، اما لازم است تاکید شود که تناسب قوای واقعی و مبارزه بی‌وقفه طبقه کارگر و جنبش‌های انقلابی، شرایط مناسبتری را برای جنبش

وجود یک جنبش انقلابی در کردستان که بر زمینه‌های تاریخی و سالها مبارزه و مقاومتی فعال و زنده علیه سرکوبگری‌های رژیم جمهوری اسلامی استوار است، نفوذ گرایش چپ و سوسیالیست در جنبش کردستان که خود شمره سالها مبارزه بی‌امان و تلاش همه جانبه کومه‌له و فعالین جنبش کارگری و انقلابی در کردستان بوده است، زمینه و بستر مساعدتری را برای سازمان دادن مراسم و تظاهرات اول ماه مه در شهر سقز و فراخوان دادن کارگران و مردم مبارز به اعتراض خیابانی و رساندن بانگ رسای سیاست رادیکال و سوسیالیستی خود به گوش جهانیان را بدست داده بود.

جنبش کارگری در کردستان سال‌های قبل، سنت برگزاری مراسم اول ماه مه مستقل از نهادهای وابسته به دولت، را شروع و عملاً به رژیم تحمیل کرده و در مراسم روز کومه‌له داران پرچم جریان با نفوذ چپ و انقلابی را در شهرها، روستاها، پارکها و دامنه کوه‌های نقاط مختلف کردستان برافراشته بود. مراسم اول ماه مه این سنت و سنبل اتحاد و همبستگی جهانی کارگران به اشکال مختلف چه در سال‌های اوایل انقلاب ۵۷ و چه سال‌های ۶۶-۶۷ و همچنین در سالهای اخیر در شهرهای سنندج، سقز، بوکان، مهاباد و.. حرکتی رادیکال و جافتاده در جنبش کارگری کردستان بوده و قطعنامه‌های رادیکال اول ماه در اکثر این سالها بیان نفوذ اجتماعی گرایش سوسیالیستی در جنبش کارگری کردستان بوده است.

تداوم و جهش نوین جریان رادیکال و سوسیالیستی در مراسم و تظاهرات اول ماه امسال در سقز نیز تاکید می‌مجدد داشت بر پیوند و همبستگی جنبش کارگری کردستان با جنبش کارگری در سراسر ایران که با ایجاد کمیته مشترک برگزاری مراسم اول ماه مه متشکل از چند شهر مختلف آنرا بیانی سراسری بخشید. این حرکت

## اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی کومه‌له درباره:

## دادگاهی کردن جمعی از کارگران مبارز شهر سقز

رژیم جمهوری اسلامی قصد دارد در روزهای آتی ۴ تن از کارگران مبارز شهر سقز را در یکی از بیدادگاههای خود به محاکمه بکشد. دستگیری این کارگران روز ۱۲ اردیبهشت ماه گذشته در حالی صورت گرفت که آنها قصد برپایی مراسم روز جهانی کارگر، جشن طبقاتی خود را داشتند. آنها بعد از اذیت و آزار و بیحرمتی‌ها و تحمل ۱۵ روز زندان و ۱۱ روز اعتصاب غذا سرانجام با وثیقه سنگین تا ۲۰۰ میلیون تومان، از زندان آزاد شدند تا در فرصتی دیگر به محاکمه کشیده شوند.

دستگاه قضایی جمهوری اسلامی طی این مدت با شیوههایی که همگان با آن آشنایی دارند به پرونده سازی برای این کارگران پرداخته و به آنها اتهام همکاری با کومه‌له را نسبت داده است. رژیم قصد دارد از این طریق این کارگران را به خاطر تلاش برای برپایی مراسم و جشن ویژه خود، در تنها روزی از سال که متعلق به آنان است، از نو به زندان بکشد. پاپوش دوزی، اتهامات جعلی، پرونده سازی برای انسانهای مبارز و حق‌طلب از جمله شیوههایی است که رژیم جمهوری اسلامی همواره به آن دست زده است. نمونه محاکمه جمعی از کارگران شهر سقز با این گونه بهانه‌ها نه اولین آن است و نه آخرین آن خواهد بود. هدف رژیم اسلامی سرمایه‌داری این است که از طریق به خیال خود از کل کارگران کردستان زهر چشم بگیرد و با ایجاد فضای ترس و نگرانی آنها را از پیگیری مطالبات حق‌طلبانه خود باز دارد. رژیم می‌خواهد که توده کارگران در مقابل سیاست‌های ضدکارگری وی که هر روزه ابعاد تازه‌ای به خود می‌گیرد، ساکت و مطیع باشند و برگزاری این دادگاه در تعقیب چنین هدفی است.

ما اقدام رژیم جمهوری اسلامی برای محاکمه کارگران حق طلب و بهانه‌تراشی برای زندانی کردن آنها را به شدت محکوم می‌کنیم و از توده کارگران و همه مردم کردستان می‌خواهیم با هر وسیله‌ای که می‌توانند به دفاع از این کارگران بپردازند و نگذارند که رژیم اسلامی اینگونه بی پروا امنیت و زندگی کارگران حق طلب را به بازی بگیرد.

## دبیرخانه کمیته مرکزی کومه‌له

سازمان کردستان حزب کمونیست ایران

۲۶ مرداد ۱۳۸۳ برابر ۱۶ اوت ۲۰۰۴



## دفاع از پناهجویان امر همه مردم آزادیخواه است!

## گزارش کوتاهی راجع به پناهندگان ترکیه

نفر از انقلابیون و مردم مبارز شده است و هنوز هم این روند در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی ادامه دارد.

سرنوشت پناهجویان در ترکیه خود بخشی از این اوضاع نابسامان سیاسی، اجتماعی در منطقه خاورمیانه بوده و مذاکرات نهان و آشکار دولت‌های ایران و ترکیه به طور روزمره این پناهجویان را قربانی معاملات سیاسی و بازرگانی می‌مایند کرده‌است.

بخشی از این گروه وسیع پناهندگان در ترکیه که در چند سال اخیر به دلیل عدم امنیت جانی از کردستان عراق وارد ترکیه شده اند و در کیس‌های پناهندگی کمیساریای عالی سازمان ملل به کیس "شمال عراق" نامگذاری می‌شوند. این گروه که بیش از ۱۳۰۰ نفر هستند در چند ماه اخیر قربانی سیاست‌های بازهم سختگیرانه‌تر دولت ترکیه شده و روزمره تحت فشار و آزار پلیس و مقامات امنیتی وزارت کشور ترکیه قرار دارند. دولت ترکیه

خواست‌های حق‌طلبانه آنان است. رژیم جمهوری اسلامی برای ایجاد رعب و وحشت در میان فعالین جنبش کارگری به هر حربه و دیسسه‌ای متوسل خواهد شد که فضای خفقان و دیکتاتوری را بر جامعه، جنبش کارگری و جنبش انقلابی کردستان حاکم نماید، تمام سعی خود را خواهد کرد که پیشروان کارگری را در مقابل سازمان‌های چپ و انقلابی قرار دهد، میان جنبش کارگری و اپوزیسیون چپ و رادیکال تفرقه و شکاف ایجاد کند و آنها را از حمایت و همبستگی جهانی اتحادیه‌ها، نهادهای کارگری و طرفداران جنبش طبقه کارگر محروم نماید. جمهوری اسلامی در تمام عمر خود برای سرکوب و لطمه زدن به جریان رادیکال و سوسیالیست در درون جنبش انقلابی کردستان تلاش کرده و دادگاهی فعالین کارگری سقز خود بخشی از این کمپین مداوم و ارتجاعی رژیم نیز هست. رژیم جمهوری اسلامی پرونده سیاه و منفوری از سرکوب جنبش کارگران و جنبش‌های انقلابی در سرتاسر ایران را پشت سر دارد که نمونه‌های کشتار کارگران خاتون‌آباد تنها می‌تواند گوشه بسیار کوچکی از این تاریخ سیاه رژیم در سرکوبگری و کشتار کارگران و مردم آزادیخواه و ستم‌دیده باشد.

علیه این دادگاه تفتیش عقاید و قرون وسطایی فعالین کارگری ایران و کردستان لازم است مبارزهای متحد و سراسری را پیش برد و برای جلب حمایت همه اتحادیه‌ها، نهادها و طرفداران جنبش کارگری و مردم آزادیخواه و مترقی و در خواست محکوم کردن این بیدادگاهی وسیعاً تلاش کرد. این کارزاری است که اکنون در اشکال مختلف چه در خود ایران و چه عرصه جهانی در کشورهای مختلف جریان دارد. پشتیبانی قاطع و محکوم کردن این بیدادگاهی از جانب کمیته کارگری کارخانجات تولیدی تهران و فراخوان آنها به سایر بخش‌های جنبش کارگری ایران برای حمایت از کارگران سقز، تلاش بسیار با ارزش و امیدوار کننده‌ای است در این راستا. این خود نشانه اتحاد و یکپارچگی سراسری جنبش کارگری می‌باشد که باعث فشار موثری بر رژیم خواهد شد. همچنین طومار امضاهای حمایتی که در داخل و خارج کشور براه افتاده است، قدم بسیار مثبتی در این رابطه می‌باشد. حمایت کنفدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری آزاد، اتحادیه سراسری کارگران انگلستان «ت. یو. سی»، اتحادیه کارگران فرانسه «ت. ژ. ت.»، اتحادیه سراسری کارگران سوئد، کانادا و سایر تشکلات و نهادهای کارگری و همچنین کمیته‌ها و اتحادیه‌هایی که توسط سازمانها و فعالین چپ و کمونیست در برخی از کشورها براه افتاده است، تظاهرات و آکسیون‌هایی که در این رابطه صورت می‌گیرد همه اجزای یک حرکت سراسری و جهانی است برای محکومیت جمهوری اسلامی، که بار منجر به افشا شدن و شکست توطئه‌های رژیم شده و جنبش کارگری ایران و کردستان را گامی دیگر به جلو خواهد برد. ■

آوارگی و مهاجرت در ابعاد وسیعی در جریان است. انسان‌های زیادی که از اختناق و دیکتاتوری، فقر و بیکاری، ترور و وحشت می‌گریزند، برای ایجاد زندگی آرام‌تر در گوشه دیگری از این جهان تلاش می‌کنند و به مبارزه سیاسی خود ادامه دهند.

سیستم سرمایه‌داری، آمریکا و متحدانش تحت عنوان "مبارزه علیه تروریسم" و "مبارزه برای دموکراسی" حملات نظامی به کشورهای مورد نظرشان را شروع کرده و خود جهان را بیش از پیش ناامن ساخته‌اند. حمله آمریکا به افغانستان و عراق خود عملاً به رشد تروریسم و رشد ارتجاع اسلامی و ناسیونالیستی شده و باعث مهاجرت و آوارگی بازهم بیشتری شده است.

سیاست دیکتاتوری و سرکوبگرانه‌ای که رژیم جمهوری اسلامی در طول عمر ننگین خود در ایران پیش برده و جنبش‌های اجتماعی و سیاسی را وحشیانه سرکوب کرده و باعث ترور، اعدام، شکنجه، زندانی و مهاجرت صدها هزار



بهرام رحمانی

## کشتار تابستان ۱۳۶۷

ما زندانیان خسته این خاک نیستیم.

زندانیان خسته این خاک دیگرند

زندانیان خسته این خاک دریند کارخانه و کار ستمگرند.

اندوه سرخ رنجبران امروز زندانیان خسته کشورند.

ما زندانیان خسته این خاک نیستیم. («سعید سلطانیپور»)

برای دفاع از آزادی و حرمت و موجودیت انسان باید مبارزه کرد. آزادی به حدی شیرین است که حتی دشمنان آزادی نیز برای این که آزادی خود را از دست ندهند به قتل‌عام‌ها و سرکوب‌های وحشیانه و هولناکی متوسل می‌شوند.

زندانی کردن مخالفین و قتل‌عام آن‌ها تاریخی طولانی دارد. طبقه کارگر و همه مردم آزادیخواه و تحت ستم در جهان، در مبارزه طبقاتی خود از جمله خواهان خاتمه دادن به سرکوب، کشتار و اعدام هستند. در اثر مبارزه مردم آزادیخواه و جنبش کارگری در قرن نوزدهم و بیستم، دولت‌های اروپایی وادار به عقب نشینی شدند و اجبارا برخی مطالبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مانند حق رای برای زنان، رعایت حقوق کودکان، بیمه‌های اجتماعی و بیکاری و لغو شکنجه و اعدام را پذیرفتند. اما در آمریکای «مهد دمکراسی»، آمریکای لاتین، آفریقا و آسیا، که برای نیل به این مطالبات و کسب آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و تقسیم عادلانه ثروت، میلیون‌ها انسان جان خود را از دست داده‌اند. شکنجه‌هایی که شکنجه‌گران آمریکایی در زندان گواتمالا و ابوغریب در زندانی در عراق بر علیه زندانیان اعمال می‌کنند، به حدی تکان‌دهنده و غیرانسانی است که حتی دیدن تصاویری از اعمال شکنجه‌های وحشیانه علیه اسرای جنگی و زندانیان در سایت‌های اینترنتی لرزه بر اندام انسان می‌اندازد. همچنین هنوز هم در قرن بیست و یکم دولت‌های به اصطلاح ملی و مذهبی در آسیا و آفریقا، همچنان به آزار و شکنجه و اعدام مخالفین و زندانیان سیاسی ادامه می‌دهند. دولت‌های به اصطلاح دمکرات، با چشم بستن به جنایات رژیم‌های دیکتاتوری، عملا منافع اقتصادی، سیاسی و نظامی خود را بر جان انسان‌ها ترجیح می‌دهند و مستقیم و غیرمستقیم در هم جنایاتی که در چهارگوشه جهان علیه بشریت اعمال می‌شود سهیم می‌گردند.

بی‌شک رژیم جمهوری اسلامی ایران، یکی از جانی‌ترین و وحشی‌ترین رژیم‌های عصر حاضر است که همواره مخالفین و توده‌های معترض را سرکوب، کشتار، شکنجه و اعدام کرده و از سنگسار، بریدن دست و پا، درآوردن چشم و غیره نیز هیچ ابایی نداشته و ندارد.

رژیم جمهوری اسلامی، مانند هیولایی از بطن چرکین رژیم دیکتاتوری پهلوی زاده شد، نه تنها ارتش، پلیس و شکنجه‌گران این رژیم سرنگون شده را به خدمت گرفته است، بلکه ارگان‌های سرکوب مخوف دیگری را نیز مانند سپاه پاسداران، گله‌های حزب‌الله، نیروهای بسیج، خواهران زینب، بنیادهای تروریستی در پوشش‌های تجاری و فرهنگی، وزارت اطلاعات و ده‌ها گروه مافیایی و تروریستی را به وجود آورده است. همین تجربه انقلاب ایران و انقلابات جهانی قبل از آن، این امر مهم را اثبات کرده است که باید یکی از مهم‌ترین اهداف انقلابیون، انحلال همه ارگان‌های سرکوب و سازماندهی تسلیح عمومی باشد، تا دشمنان انقلاب نتوانند انقلاب توده‌های محروم و تحت ستم و استثمارشده را سرکوب کنند. بی‌جهت نبود که در روزهای آخر رژیم شاهنشاهی شعار «ارتش برادر ماست، خمینی رهبر ماست!» بر سر زبان‌ها انداخته شد. زیرا بورژوازی و دولت‌هایشان برای حفظ منافع اقتصادی و سیاسی خود و سرکوب معترضین همواره به ارتش و پلیس نیاز دارد.

رژیم جمهوری اسلامی، بلافاصله پس از انقلاب ۵۷، سرکوب و

## دفاع از پناهجویان

در چند ماه اخیر سیاست جدیدی را در قبال آنان پیش برده و ظاهرا برای آنها اقامت و اجازه کار موقت صادر کرده و آنها را همچون خارجی قلمداد می‌نماید و به این ترتیب موانع جدی بر سر راه انتقال آنها به کشور ثالث را به وجود می‌آورد. دولت ترکیه این پناهندگان را مجبور به پرداخت هزینه اقامت سالانه که معادل ۳۰۰ دلار برای هر نفر می‌باشد کرده و در چند هفته اخیر در شهرهای چانکبیری، اسکی‌شهر، قهرمان و غیره اقدام به دستگیری آنها کرده و همزمان با ملاقات بین مقامات امنیتی ایران و ترکیه این پناهجویان را تهدید به دیپورت کردن به ایران کرده است.

در اعتراض به این فشارهای دولت ترکیه و بی‌توجهی‌های کمیساری عالی سازمان ملل، پناهندگان در مقابل دفتر «یو.ان» در آنکارا در مراحل مختلف اعتراض و تحصن کرده‌اند، طومار امضا جمع کرده‌اند، با سازمان‌های مترقی و طرفدار حقوق بشر تماس گرفته‌اند و این فعالیتها در خارج نیز وسیعا در جریان بوده‌است. در ادامه فعالیت‌های سیاسی، تبلیغی که از جانب تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست ایران در همبستگی و پشتیبانی از این پناهجویان صورت گرفته است، از طرف نمایندگی کومه‌له در خارج کشور نیز درخواست ملاقاتی از کمیساری عالی پناهندگی سازمان ملل مطرح گردید و این ملاقات در تاریخ ۲۶ جولای ۲۰۰۴ در مقر مرکزی آنان در ژنو (سوئیس) صورت گرفت. از جانب کمیساری عالی پناهندگی سازمان ملل مسئولین چهار دفتر کمیساری عالی سازمان ملل در ملاقات شرکت داشتند که عبارت بودند از مسئول بخش اروپایی، بخش ایران، بخش ترکیه و عراق و از طرف نمایندگی کومه‌له نیز رفقا شهلا حیدری و جلال محمدنژاد از اعضای کمیته مرکزی کومه‌له شرکت داشتند. در این ملاقات از جانب هیئت نمایندگی کومه‌له گزارش مفصلی از وضعیت حاضر پناهندگان کرد و ایرانی در

ترکیه به این هیئت ارائه گردید و خواستار ایفای نقش جدی‌تری از جانب کمیساری عالی سازمان ملل در مورد یافتن چاره اساسی برای این مجموعه از پناهجویان و رسیدگی سریعتر به پرونده‌هایشان شد.

هیئت کمیساری عالی سازمان ملل ضمن اشاره به مذاکراتشان با مقامات دولت ترکیه در مورد تضمین گرفتن از آن راجع به عدم دیپورت پناهجویان به ایران، راجع به تغییرات اساسی بعد از رویداد ۱۱ سپتامبر در سیاست پناهندگی دولت‌های پناهنده‌پذیر بوجود آمده توضیح دادند. مسئولین کمیساری عالی سازمان ملل اشاره کردند که سیاست اصلی دولت‌های اروپایی اینست که پناهندگان را در خود ترکیه نگه دارند و آنها را به ماندگارشدن در آنجا تشویق کنند و دولت ترکیه نیز در این رابطه با این دولت‌ها سیاست هماهنگی را پیش می‌برد. کمیساری عالی سازمان ملل تاکید کردند که آنها از همه امکانات خود برای تاثیرگذاری بر سیاست این کشورها و ایجاد رابطه نزدیکتر با خود پناهجویان استفاده خواهند کرد و از ادامه ارتباط و تبادل نظر با نمایندگی کومه‌له نیز استقبال کردند. روشن است که در همبستگی و حمایت از پناهجویان ترکیه و سایر کشورها، مبارزه‌ای پیگیر و همه‌جانبه از جانب سازمانها و فعالین سیاسی و نهادهای مترقی و آزادیخواه ضروری است و با تمام نیرو و امکانات لازم است که دولت ترکیه، کشورهای پناهنده‌پذیر و سازمان ملل را برای اتخاذ راه حل اساسی تحت فشار مداوم قرار داد و افکار عمومی و سازمانها و نهادهای چپ و رادیکال و مراجع بین‌المللی را در این رابطه به حمایت از آنها دعوت کرد.

در بین خود پناهجویان در ترکیه نیز مبارزه و اعتراض را لازم است به شکل مشترک و هماهنگ و کارساز و با شرکت تعداد هرچه بیشتر از پناهجویان به پیش برد و برای اینکار ارتباط آنها در شهرهای مختلف را باهم بیشتر نمود.

## پوستر تابستان ۶۷ از آرنا داوری



این‌ها موجوداتی بودند که غیر از جنایت کار دیگری بلد نبودند. به قول معروف کسب و کار این‌ها تولید رعب و وحشت و شکنجه و اعدام بود. حاج داود، تاجر آهن‌آلات بود. اما به دلیل جنایت و کشتار زندانیان شهرتی پیدا کرد. در دوره حاج داود، بندی به نام «قیامت» برپا شد. درون قیامت، تخته‌هایی را به شکل پاراوان بیمارستان قرار داده بودند که در بین آن‌ها زندانی به طور انفرادی و رو به دیوار می‌نشست. بنا به اظهار زندانیانی که قیامت را تجربه کرده‌اند، این افراد باید در تمام مدت شبانه روز به یک حالت رو به دیوار می‌نشستند و حق هیچ‌گونه حرکتی را نداشتند. به دلیل این که به حالت چمباتمه می‌نشستند، سریعاً خسته می‌شدند و به پهلو متمایل می‌گردیدند و به تخته‌ها برمی‌خوردند، تخته‌ها می‌افتاد و آن وقت بود که شکنجه‌گران به زندانی هجوم می‌بردند و او را مورد ضرب و شتم قرار می‌دادند.

از ابتکارهای دیگر شکنجه‌گران جمهوری اسلامی، تابوت است. اتاقک‌هایی که شبیه تابوت بود. زندانی را درون آن می‌خوابانند و او را مدت‌ها به این حالت نگاه می‌داشتند. روی تابوت تنها یک سوراخ به اندازه یک سکه قرار داشت که فرد بتواند نفس بکشد.

یا زندانی را روزها سر پا نگاه می‌داشتند. توابین را وادار می‌کردند تا مواظب این افراد باشند و نگذارند آن‌ها بنشینند و یا اگر افتادند با مشت و لگد به آن حمله ور شوند. در این نوع شکنجه خون در پاها به ویژه از زانو به پایین جمع می‌شد و در اثر

سقر تیرباران شدند. این‌ها تنها نمونه‌هایی از انبوه جنایات خلخالی در کردستان است.

زندانیانی که از اعدام‌های سال‌های ۵۹ و ۶۰ و ۶۱ و ۶۲ جان سالم به در برده‌اند، خاطرات هولناک آن دوره را منتشر کرده‌اند که چهره زشت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی را منعکس می‌کند.

در سال ۱۳۶۰، زندانیان را دسته جمعی به دادگاه می‌بردند و گیلانی حتی بدون نگاهی به آن‌ها و خواندن متن کیفرخواست، حکم اعدام آن‌ها را امضاء می‌کرد. گیلانی هم مانند خلخالی، عامل اعدام هزاران زندانی، حتی پسران خود نیز بود. در سیستم جمهوری اسلامی، دادگاه‌های زندانیان سیاسی بدون حق داشتن وکیل و هیچ‌گونه دفاعیه بیش از ۵ دقیقه به طول نمی‌انجامید.

در سال‌های ۶۵ و ۶۶ زندانیان سیاسی به مبارزات خود با اعتراض و اعتصاب غذا بسط دادند. در بیرون نیز مردم از جنگ ارتجاعی ایران و عراق از فقر و فلاکت و گرانی و بمباران و جان باختن سربازان و جوانانی که با تبلیغات عوام‌فریبانه از مدرسه و دانشگاه حتی در بسیاری مواقع بدون اطلاع والدین به جبهه جنگ فرستاده می‌شدند و جنازه‌هاشان دسته دسته برمی‌گشت، خسته شده بودند. شکنجه‌گران انواع و اقسام شکنجه‌های روحی و جسمی را بر زندانیان اعمال می‌کردند. شکنجه‌هایی نظیر سوزاندن اعضای بدن با آتش سیگار و اتوی داغ، شکستن فک و دندان‌ها، کور کردن چشم‌ها، زدن کابل بر روی پشت و زیر پا، فشار بر آلت تناسلی، کشیدن ناخن، شکنجه‌های روانی مانند بی‌خوابی. بدین ترتیب شکنجه‌گران با بی‌رحمی سعی می‌کردند با تفتیش عقاید و شکستن حرمت انسانی، زندانی را به یک فرد حقیر و درمانده تبدیل سازند. توابین را وادار می‌کردند رفقای خود را لو بدهند و حتی در جوخه‌های اعدام شرکت کنند و تیر خلاص بزنند. بسیاری از زندانیان روانی و یا دست به خودکشی می‌زدند.

اعمالی که لاجوردی و حاج داود بر زندانیان روا می‌داشتند در تاریخ ایران و شاید جهان بی‌سابقه باشد.

کشتار انقلابیون را آغاز کرد تا سیستم سرمایه‌داری را از مهلکه انقلاب نجات دهد. قداره‌بندان رژیم دسته دسته انقلابیون را کشتار کردند و کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۵۷، اوج وحشیگری این رژیم بود.

شیخ صادق خلخالی، که در قضاوت و بی‌رحمی معروف بود و جنون آدم‌کشی داشت، از سوی خمینی به عنوان «حاکم شرع دادگاه‌های انقلاب» برای کشتار انقلابیون و زندانیان سیاسی انتصاب شد. خمینی، در تاریخ پنجم اسفند ماه ۱۳۵۷، برای کشتار زندانیان چنین فتوا صادر کرد:

«جناب حجت‌الاسلام آقای شیخ صادق خلخالی دامت افاضاته! به جناب عالی ماموریت داده می‌شود تا در دادگاهی که برای محاکمه متهمین و زندانیان تشکیل می‌شود، حضور به هم رسانده و پس از تمامیت مقدمات محاکمه با موازین شرعیه حکم شرعی صادر کنید. روح‌الله الموسوی الخمینی» خلخالی، بلافاصله دست به کار شد و نخست چند نفر از ژنرال‌ها و مقامات رژیم سلطنتی را اعدام کرد، بدون این که قربانیان حق دفاع از خود را داشته باشند. او سپس به تعقیب و دستگیری و اعدام انقلابیون پرداخت.

در روزهای متلاطم ۵۷ و ۵۸ خمینی، روز ۲۸ مرداد ماه ۵۸، فرمان حمله به کردستان را صادر کرد، خلخالی نیز همراه با ارتش و نیروهای مافیای و تروریستی جدید راهی کردستان شد. غرش توپ، تانک، هلیکوپتر و هواپیماهای جنگی در کردستان پیچید. خلخالی سحرگاه روز ۲۸ مرداد ماه ۵۸، در شهر پاوه ۱۱ نفر از جوانان این شهر را بدون محاکمه و در حالی که برخی از آن‌ها سر و دست و پایشان را در زیر شکنجه شکسته بودند صادر کرد. روز بعد نیز در همین شهر به دستور خلخالی ۷ نفر دیگر اعدام شدند. روز ۳ شهریور ماه ۵۸، ۹ نفر در شهر میروان به جوخه‌های اعدام سپرده شدند. پنجم شهریور ماه، ۱۱ نفر در فرودگاه شهر سنندج تیرباران گردیدند. سحرگاه روز ششم شهریور ماه، به فرمان خلخالی، ۲۰ نفر در پادگان

تورم پاها دردهای شدیدی به وجود می‌آمد. همه این شکنجه‌های سبب می‌شد که اکثر زندانیان دچار افسردگی شوند و یا عوارضی از قبیل ناراحتی‌های عضلانی، زخم معده و بیماری‌های روحی و روانی دچار شوند. از سال ۱۳۶۶، فشار بر زندانیان افزایش یافت. وزارت اطلاعات به زندانیان فرم‌هایی می‌داد که در آن درباره نظرات زندانی نسبت به اسلام، رژیم جمهوری اسلامی، و این که آیا نماز می‌خوانند؟ حاضر به مصاحبه تلویزیونی و در جمع زندانیان هستند؟ و یا این که حاضر به اعلام انزجار و تنفر از سازمان‌هایی سیاسی، به ویژه سازمانی که به اتهام عضویت و یا هواداری از آن دستگیر شده‌اند، هستند؟ آیا تعهد می‌دهند که پس از آزادی، مجدداً فعالیت سیاسی نکنند؟ سوالاتی از این قبیل می‌کردند. تا پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل از سوی خمینی مبنی بر پیرش آتش‌بس، این بازجویی‌ها ادامه داشت. سپس از اوایل مرداد ماه ۱۳۷۷، کلیه کانال‌های ارتباطی زندانیان با دنیای خارج قطع شد. روزنامه، تلویزیون، پخش اخبار رادیو از بلندگوهای بند، ملاقات‌ها، هواخوری و بهداری، همه قطع گردید. در چنین وضعیت هولناک و نگران‌کننده، دوباره سؤال و جواب‌های تکراری درباره مواضع زندانیان آغاز شد: آیا جمهوری اسلامی را قبول داری؟ نماز می‌خوانی...

در پنج وعده نماز، به زندانی پنج تا ده ضربه شلاق می‌زدند. یعنی سر هر وعده غذا آن‌ها را از سلول‌ها بیرون می‌کشیدند، به تخت می‌بستند و کابل می‌زدند. از زندانی در زیر کابل می‌خواستند اعلام کند که مسلمان است، باید نماز بخواند؛ مصاحبه تلویزیونی را بپذیرد و از گذشته خود اظهار ندامت کند.

بدین ترتیب اعدام یک نسل از زندانیان سیاسی تاریخ ایران آغاز شد. تئوریسین‌ها و آدم‌کشان حرفه‌ای رژیم جمهوری اسلامی می‌دانستند که پرورش چنین نسل انقلابی که یک انقلاب عظیم را پشت سر گذاشته بود و دنیایی تجارب سیاسی انقلابی و سازماندهی داشتند، از نظر جمهوری اسلامی خطرناک بودند و باید <

ناپود می‌شدند. از سوی دیگر پرورش دوباره چنین نسلی ده‌ها سال طول خواهد کشید. سردمداران و حاکمان شرع جمهوری اسلامی، براساس قوانین اسلامی، حتی دستور تجاوز به دختران (باکره) را قبل از اعدام صادر می‌کردند و پاسداران و شکنجه‌گران آن‌ها را به زور مورد تجاوز قرار می‌دادند. حتی اعدام نمایشی ترتیب می‌دادند تا بدین‌گونه زندانی را با شدیدترین شکل شکنجه روحی و روانی مواجه سازند.

رژیم جمهوری اسلامی، در به کارگیری انواع و اقسام شکنجه بر علیه زندانیان و کشتار آن‌ها، از تجارب و شیوه‌های فاشیت‌های آلمان هیتلری، پولپوت، ژنرال‌های کودتاگر مانند پینوشه در شیلی و کنعان اورن در ترکیه، پرویز مشرف در پاکستان،... و فاشیست‌های سلطنت پهلوی استفاد کرده و آخرین مدال برنده مسابقات مرگ را بر سینه خود آویخته است.

کشتار سال ۵۷ فقط به زندانیان محدود نماند. توده‌هایی که فشار و دلهره و فقر و فلاکت ۸ سال جنگ خونین را تحمل کرده بود، خود را آماده می‌ساخت تا اعتراضات خود را برای دستیابی به مطالبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود ابراز دارد. براین اساس جمهوری اسلامی، تعرض گسترده‌ای را در کارخانه‌ها، محلات و هر جایی که امکان اعتراض وجود داشت آغاز کرد. حتی زندانیان سیاسی آزاد شده را دوباره دستگیر ساخت و با فتوای جدید خمینی، جنگی تازه‌ای را علیه کارگران، مردم آزادی‌خواه، زنان و همه انسان‌های تحت ستم و محروم آغاز کرد، حتی آن بخش از زندانیان که دوران محکومیت خود را کشیده بودند و باید آزاد می‌شدند را به جوخه‌های مرگ سپرد. براساس فتوای خمینی و برنامه ریزی رفسنجانی و خامنه‌ای، نباید «هیچ مرتد و محارب در زندان‌ها زنده بماند». اجساد اعدام‌شدگان را روی هم تلنبار کردند و شبانه با کاتینرها به سوی گورستان خاوران انتقال دادند. این کشتار به حدی گسترده و وحشیانه بود که بین سردمداران جمهوری اسلامی نیز اختلاف پیش آمد مانند اختلاف خمینی و منتظری.

آیت‌الله اشراقی، ریاست هیاتی را به عهده داشت که به دنبال فتوای خمینی، در تهران تشکیل شد. این هیات، به طور مداوم برای صدور حکم اعدام زندانیان، بین زندان‌های اوین و قزل حصار در رفت‌وآمد بود، آن‌چنان در ابعاد وسیع و تکان‌دهنده‌ای زندانیان را به جوخه‌های مرگ سپرد که به «هیات مرگ» معروف گردید. لازم به تاکید است که علی‌رغم انبوه کتابها، مقالات و مصاحبه‌های زیادی که از زندانیانی که از دم مرگ نجات یافته‌اند وجود دارد، اما هنوز بخش عظیم ابعاد جنایات جمهوری اسلامی در پرده ابهام باقی مانده است. اکنون بسیاری از شکنجه‌گران مانند حسن شریعتمداری نماینده خامنه‌ای در روزنامه کیهان و سعید حجاریان تئوریسن جریان شکسته خورده «دوم خرداد» و غیره رنگ عوض نموده و لباس وزیر و وکیل، روزنامه‌نگار، استاد دانشگاه و تئوریسن به تن کرده‌اند. اما با این وجود افکارشان ارتجاعی و جانبدار است. بنابراین هر دو جناح رژیم جمهوری اسلامی، در سازماندهی و اجرای کشتار زندانیان سیاسی و آفریدن رعب و وحشت در جامعه و تحمیل فقر و فلاکت به مزدبگیران سهم هستند. از این‌رو هر شخصیت و جریان اجتماعی، فرهنگی و سیاسی با هر اگیزه و دلیلی بخواهد به هر کدام از این جناح‌ها نزدیک شود به طور غیرمستقیم در جنایات جمهوری اسلامی سهم می‌گردد.

یکی از اهداف مهم رژیم جمهوری اسلامی از کشتار و نابودی زندانیان سیاسی و ترور فعالین سیاسی در داخل و خارج کشور این است که افراد با تجربه و فعالین سازمان‌های سیاسی مخالف را از بین ببرد تا از این طریق مانع متشکل شدن توده‌های مردم در این سازمان‌ها و یا تشکیل‌های مستقل توده‌ای آن‌ها شود. زیرا رژیم‌های دیکتاتوری، از مبارزه متشکل و هدفمند ترس دارند و آن‌ها به خوبی می‌دانند که تکتک افراد جامعه به صورت عنصرهای منفرد خطری برای رژیم ایجاد نمی‌کنند. خامنه‌ای در سال ۱۳۶۶، به صراحت بیان کرد که «هدف ما، منهدم ساختن سازماندهی

سازمان‌هاست!» بنابراین اساسی‌ترین و مهم‌ترین راه برای برکناری رژیم‌های ستم‌گر و استثمارگر و برای رسیدن به یک جامعه انسانی آزاد و برابر و مرفه، به مبارزه متشکل روی آوردن است.

امروز چه بسایزند زنان و مردان زندانی که تا آخرین لحظه اعدام‌شان و یا آزادی‌شان قهرمانانه مقاومت کرده‌اند و هرگز روحیه والای انسانی و مبارزاتی خود را از دست ندادند. بنابراین جای دارد که در مقابل همه این انسانی‌های عزیز که از دست درندگان وحشی جمهوری اسلامی جان سالم به در برده‌اند و چه آن‌هایی که جان باختند سر تعظیم فرود آورد.

زندان‌هایی نظیر زندان اوین که در رژیم شاهنشاهی ساخته شد و شکنجه‌گران حرفه‌ای «ساواک» که توسط سازمان سیا و «موساد» آموزش دیده بودند، بعد از انقلاب ۵۷، در خدمت جمهوری اسلامی به جنایات‌های خود ادامه دادند. طبق آمارهای رسمی سازمان‌های بین‌المللی مدافع حقوق بشر، در سال‌های قبل از انقلاب ۵۷، حدود ۱۰۰ هزار زندانی سیاسی در سیاه‌چال‌های رژیم شاهنشاهی زیر شدیدترین شکنجه‌ها قرار داشتند. پلیس مخفی شاه «ساواک»، تشکیلات مخوفی بود که حتی شنیدن اسم آن نیز لرزه به اندام انسان می‌انداخت. با این وجود شاه، بی‌شرمانه در مصاحبه‌های خود با مطبوعات اعلام می‌کرد: «ما فاقد زندانی سیاسی هستیم و آن عده که در زندان‌ها هستند مارکسیست‌ها و تروریست‌ها هستند.» پسر او که اکنون مدعی احیای سلطنت در ایران است، با میلیاردها دلاری که خانواده‌اش در مقطع انقلاب از ایران ربودند و با حمایت سازمان سیا و پنتاگون، رسانه‌هایی را راه انداخته است و تعداد انگشت شماری را که شاید تا دیروز دم از چپ می‌زدند اجیر کرده است تا از طریق این رسانه‌ها که کار اصلی‌شان شبانه روز تبلیغ علیه کمونیست‌ها و مردم آزادی‌خواه و محروم و تحت ستم است، به نوعی جنایات رژیم شاه را پرده‌پوشی کنند. از سویی این طیف سوپر راست که خواهان احیای سلطنت در ایران است،

به بارگاه کاخ سفید دخیل بسته و ملت‌مسانه از جناح میلیتاریستی هیات حاکمه آمریکا می‌خواهد که هر چه زوتر مانند یوگسلاوی افغانستان و عراق به ایران نیز حمله کند و در میان جنگ و خون و ویرانه‌ها سیستم شاهنشاهی را مجدداً احیا نماید. اما این طیف فاشیستی باید بداند که جامعه را نمی‌توان به عقب برگرداند و بربریت قدیم را با رنگ و لعاب جدید بر جامعه تحمیل کرد. جامعه ایران، یک جامعه جوان شهری، با سواد و علمی‌رغم سرکوب و اختناق در حال گسترش مبارزه طبقاتی و آزادی‌خواهانه خود هستند. اکنون مبارزه‌ای که در ایران در جریان است یک مبارزه عمیقاً طبقاتی است. طبقه سرمایه‌دار در این کشور، چه از نوع فاشیستی عظمت‌طلب شاه‌الهی و چه از نوع وحشیانه حزب‌الهی، که هر دو گرایش‌ات عقب‌مانده و پوسیده ملی و مذهبی بورژوازی ایران هستند که کارنامه بسیار سیاه تاریخی سالیان دراز و چندین نسلی آن‌ها در مقابل جامعه قرار دارد. بنابراین امروز جامعه ایران بیش از هر زمان دیگری خواهان برپایی سیستم جدیدی است که یک بار برای همیشه به وحشی‌گری، انتقام‌جویی، وحشت و ترور، شکنجه و اعدام، تفتیش عقاید، سانسور و اختناق و هر گونه ستم ملی، جنسی، تبعیض و نابرابری و فقر و فلاکت نقطه پایانی بگذارد و تاریخ جدیدی را با اتکا به معیارها و ارزش‌های جهان‌شمول انسانی و آخرین دستاوردهای بشری در کلیه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و تکنولوژیکی را بگشاید و به تاریخ چندین هزار ساله جهل و جنایت و اشک و خون در ایران پایان دهد. بی‌شک گشودن این تاریخ نوین نه با انواع و اقسام گرایش‌ات بورژوازی، بلکه تنها با طبقه کارگر متشکل و آگاه و قدرتمند عملی و امکان‌پذیر است.

مسئله تنها سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی و برپایی یک جامعه انسانی آزاد، برابر، بدون ستم و استثمار و مرفه می‌تواند مرهمی بر زخم‌های کلیه داغدیدگان و همه کسانی که عزیزان خود را در راه مبارزه و سعادت بشریت از دست داده‌اند، باشد.



## پیام کنگره هشتم حزب کمونیست ایران به زندانیان سیاسی

کنگره هشتم حزب کمونیست ایران در شرایطی برگزار شد که سیاهچالهای نظام استبداد - مذهبی جمهوری اسلامی همچنان بخشی از آزادیخواهان و انسانهای مبارز و معترض را در خود محبوس کرده است. هم اکنون جمع وسیعی انسان به دلیل عقاید سیاسی و افکار مخالف با حکومت‌گران مستبد و یا بدلیل فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی زیر شکنجه‌های وحشیانه جسمی و روحی قرار دارند.

بسیاری از هم‌زمان فداکار ما و پیش‌قراولان جنبش سوسیالیستی ایران، در مکانهایی که اکنون شما را در آن محبوس کرده‌اند متأسفانه جانباخته و در صفوف ما نیستند. جای بسیاری از رفقای جانباخته و شما عزیزان در بند در این کنگره و در جوار ما خالی بود. ما مصمم هستیم و کنگره ما در این جهت گام برداشت که همراه با طبقه کارگر ایران و مردم ستمدیده و پیشروان کمونیست آن، یاد تمام عزیزان از دست رفته را با ادامه راهشان و آزادی فوری و بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی را با مبارزه روزانه و پیگیری برای رهایی از سیاهچالهای جمهوری اسلامی گرامی بداریم.

حزب کمونیست ایران خود را مدافع و مبارز پیگیر آزادی بدون قید و شرط سیاسی عقیده و بیان می‌داند و برای جامعه‌ای مبارزه می‌کند که سرکوب عقاید و آزادیهای فردی و اجتماعی نه تنها جایی در آن نداشته باشد بلکه تحقق چنین آزادی‌هایی پیش‌شرط رشد و شکوفایی استعداد و خلاقیت‌های فردی و اجتماعی خواهد بود. ما تجاوز روزانه جمهوری اسلامی به حق طبیعی انسانها در زیستن و اندیشیدن آزادانه را محکوم می‌کنیم.

ما با زندانیان سیاسی و خانواده‌هایشان عمیقاً احساس همبستگی می‌کنیم و امیدواریم با سرنگونی جمهوری اسلامی، به نیروی توده‌های آگاه و متحد و با برپایی حکومت کارگری که لغو زندان به خاطر عقاید سیاسی و لغو شکنجه و اعدام از نخستین گامهای آن است رنج و سختی‌های شما نیز التیام بخشد.

کنگره هشتم حزب کمونیست ایران

تیر ماه ۱۳۹۳ - ژوئن ۲۰۰۴

## پیام کنگره هشتم حزب کمونیست ایران به خانواده‌های جانباختگان کمونیست!

دردهای گرم ما را بپذیرید.

کنگره هشتم حزب کمونیست ایران با یک دقیقه سکوت به یاد و خاطره عزیزانی آغاز به کار کرد که فرزند و جگر گوشه شما و همسنگر ما و رزمندگان خستگی ناپذیر راه رهایی بشریت بودند.

این عزیزان در سنگرهای مختلف مبارزه در برابر رژیم مبارزه و مقاومت کردند و سر تعظیم فرود نیاوردند که به شهادت تاریخ ۲۵ سال اخیر، یکی از وحشیانه‌ترین و درنده‌ترین حکومت‌هایی است که تا بحال تاریخ به خود دیده است.

این عزیزان نوری بودند که در ظلمت و سیاهی جمهوری اسلامی درخشیدند و راه مبارزه ما را به سوی آینده‌ای نویدبخش و پیروزی نهایی هموار کردند، اگر امروز این عزیزان در صفوف ما و در جمع گرم خانوادگی شما نیستند اما یادشان و آرزوهای انسانیشان در قلب همه ما و در رزم و مبارزه روزانه طبقه کارگر و مردم ستمدیده به وسعت ایران زنده است.

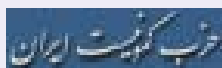
روحیه مقاوم و اراده قابل تحسین شما در مبارزه مشترکی که امر مشترک همه ما است همواره مشوق و امید بخش راه و آرمان ما و فرزندان جانباخته شما بوده است. از نظر ما شرکت کنندگان در کنگره هشتم حزب کمونیست ایران، والاترین ارج نهادن از هم‌زمان جانباخته و تمام کسانی که برای واژگون کردن نظم کهن و ایجاد جهانی دیگر، جهان انسان آزاد و برابر، جهان کمونیسم و برابری واقعی انسانها مبارزه کردند و جانباختند ادامه راه این عزیزان تا تحقق آرمانهای انسانی و والای آنهاست.

کنگره هشتم حزب کمونیست ایران

تیرماه ۱۳۸۳ - ژوئن ۲۰۰۴

### از سایت حزب کمونیست ایران

www.cpiran.org



سایت کومه‌له

www.komalah.org



سایت رادیو صدای کومه‌له

www.radiokomaleh.com

برروی شبکه اینترنت دیدن کنید!

### صدای حزب کمونیست ایران

هر شب: ۲۱ - ۲۲

صبح جمعه‌ها: ۸ - ۹

۲۵ متر برابر ۳۸۸۰ کیلوهرتز

۶۵ متر برابر ۴۳۸۰ کیلوهرتز

۴۹ متر برابر ۶۴۲۰ کیلوهرتز



### صدای انقلاب ایران

ظهرها: ۱۳ - ۱۴

صبح‌ها: ۷ - ۸

عصرها: ۱۹ - ۲۰

۲۵ متر برابر ۳۸۸۰ کیلوهرتز

۶۵ متر برابر ۴۳۸۰ کیلوهرتز

۴۹ متر برابر ۶۴۲۰ کیلوهرتز

### دفتر نمایندگی کومه‌له

K.K. P.O.Box 75026

Box 750 26 Uppsala - Sweden

Tel/Fax: +46-18-46 84 93

E-mail: [komala@cpiran.org](mailto:komala@cpiran.org)

### دفتر نمایندگی کومه‌له

در سلیمانیه

Tel - 3124760 - 3125815

کمیته مرکزی کومه‌له

Tel. 0044-70-775 207 81

[komalah@komalah.org](mailto:komalah@komalah.org)

### آدرس‌های

حزب کمونیست ایران  
و کومه‌له

دیرخانه حزب کمونیست ایران

C.D.C.R.I. Box 704 45

107 25 Stockholm - Sweden

Tel/Fax +46-08-86 80 54

E-mail: [cpi@cpiran.org](mailto:cpi@cpiran.org)

کمیته خارج کشور حزب

K.K.H.K Box 704 45

107 25 Stockholm - Sweden

E-mail: [kkh@cpiran.org](mailto:kkh@cpiran.org)